

باشاعران شیراز



سعدی

غلام آن سبک روحم که با من سرگران دارد جواش تلخ و پنداری شکر ز پزبان دارد مرا اگر دوستی با او به دوزخ می برد شاید به نقد اندر بهشت است آن که یاری مهربان دارد برون از خوردن و خفتن حیاتی هست مرد مرا به چنان زندگانی کن بهایم نیز جان دارد محبت با کسی دارم کز او باخود نمی آیم چوبلیب کز نشاط گل فراغ از آشیان دارد نه مردی گر به شمشیر از جفای دوست بر گردی دهل را کاندرون با داست ز انگشتی فغان دارد به تشویش قیامت در که یار از یار بگیریز محب از خاک بر خیزد محبت همچنان دارد خوش آمد باد نوروی به صبح از باغ پیروزی به بوی دوستان ماند نه بوی بوستان دارد یکی سر بر کنار یار و خواب صبح مستولی چه غم دارد ز مسکینی که سر بر آستان دارد چو سعدی عشق تنها باز راح ت بین و آسایش به تنها ملک می راند که منظوری نهان دارد



حافظ

دیدي که یار، جز سِر جور و ستم نداشت بشکست عهد، ز غم ما هیچ غم نداشت یارب مگیرش ار چه دل چون کبوترم افکند و کشت و عزت صید حرم نداشت بر من جفا ز بخت من آمد و گر نه یار حاشا که رسم لطف و طریق کرم نداشت با این همه هر آن که نه خورای کشید از او هر جا که رفت، هیچ کُشش محترم نداشت ساقی بیار باده و با محتسب بگو انکار ما مکن که چنین جام، جم نداشت هر اهر و که به حریم درش نبرد مسکین بُرد وادی و ره در حرم نداشت حافظ ببز تو گوی فصاحت که مدعی هیچش هنر نبود و خبر نیز هم نداشت



مهدی حمیدی

شنیدم که چون قوی زیبا بمیرد فریبنده ز ادو فریبا بمیرد شب مرگ تنها نشیند به موجی رود گوشه ای دور و تنها بمیرد در آن گوشه چندان غزل خواند آن شب که خود در میان غزل ها بمیرد گروهی بر آنند که این مرغ شیدا کجا عاشقی کرد آن جا بمیرد شب مرگ از بیم، آن جا شناید که از مرگ غافل شود تا بمیرد من این نکته گیرم که باور نکردم ندیدم که قویی به صحرا بمیرد چوروی ز آغوش دریا برآمد شبی هم در آغوش دریا بمیرد تو دریای من بودی آغوش واکن که می خواهد این قوی زیبا بمیرد

غلط نویسیم

**فکر کردن** / این مصدر به معنی "اندیشیدن و قوای ذهنی خود را به کار انداختن" است و به کار بردن آن در جمله هایی نظیر: "فکر می کنم هوا ایما با یک ساعت تأخیر برسد." فکر کردم تو قبل از من رفتی و... جایز نیست. بهتر است در این گونه موارد: ندانستن، گمان کردن، خیال کردن، تصور کردن، احتمال دادن و... استفاده کنیم.

**کنافت** / در عربی و متون قدیم فارسی «کنافت» به معنی «ستبری، ضخامت و غلظت» به کار رفته است، اما امروزه آن را در معنی ناپاک، آلوده، ناپاکی به کار می برند.

بر گرفته از کتاب: فرهنگ در ست نویسی سخن، تألیف استاد حسن انوری

# همسفر با فردوسی در نبردهای بجنورد

روایت شهر انگیز شاهنامه از رویارویی پادشاهان ایران در نزدیکی «سنبار» شاخه شرقی رود اترک



محمد بهرودی نیا

calture@khorasannews.com

زندگی بخشی را می توان مهم ترین ویژگی رودهای به شمار آورد. همین ویژگی مهم باعث شده توجه انسان ها بیش از هر پدیده طبیعی دیگر در طول تاریخ متوجه رودها باشد و در ادبیات فارسی نیز شاهد حضور این پدیده های طبیعی هستیم. شاهنامه فردوسی نیز از این موضوع مستثنا نیست. حکیم توس در روایت های تاریخی و اسطوره ای اثر جاودانه خود، همواره به رودخانه ها توجه ویژه ای داشته است. از جمله مهم ترین رودهایی که نامشان در شاهنامه آمده می توان به «کاسه رود» و «سنبار» در سرزمین خراسان اشاره کرد. رود سنبار که امروز ما آن را به عنوان یکی از شاخه های سمت راست رود اترک می شناسیم در استان خراسان شمالی و شهرستان بجنورد قرار گرفته است. در ادامه سلسله گزارش های نام جای های شاهنامه، این بار نیز با استناد به کتاب فرهنگ جغرافیای تاریخی شاهنامه» تألیف استاد سید مهدی سیدی فرخد به سراغ رود سنبار رفته ایم تا ز جایگاه این رود بزرگ و زندگی بخش در شاهنامه باخبر شویم.

دومین حمله هم در آغاز جنگ بزرگ ایران و توران با سالاری کیخسرو در زمان پدر بزرگش، کیکاوس است که جدال طرفین از دهستان آغاز می شود با پیروزی ایرانیان و پیشروی آن ها تا آن سوی رود جیحون و تصرف توران و گریز افراسیاب پایان

می یابد در هر دو مورد از حصار دهستان و نیز از رود سنبار، (شاخه شرقی اترک) یادمی شود. در این میان رود سنبار که یکی از پرآب ترین رودهای آن زمان بوده نقشی کلیدی داشته به طوری که از این رود آب را به دهستان و روستاهایی در مناطق مرتفع می فرستادند.

■ **نبرد افراسیاب و سپاه نوذر**

جنگ اول از آن جا آغاز می شود که «پشنگ» با شنیدن خبر مرگ «منوچهر» و شروع پادشاهی «نوذر»، سپاهی ۴۰۰ هزار نفره را با سپه سالاری فرزند جوانش «افراسیاب» از طریق دهستان،

در شرق با مرزهای کنونی ایران و ترکمنستان انطباق داشته چنان که از دهستان تا سرخس در اختیار تورانیان بوده است تا این که کیخسرو پس از پیروزی سپاه ایران بر تورانیان در جنگ یازده رخ در محل گنابد (گناباد خراسان) خود را آماده جنگ بزرگ با تورانیان می کند. او ابتدا طوس را به دهستان می فرستد. متعاقباً هم خود با عده سپاه ایران زمین به دهستان می رود و جنگ با تورانیان را آغاز می کند. هنگام این جنگ آب رود سنبار به دهستان می رسیده لذا در شرح جنگ آمده است:

سپهدار چون در بیابان رسید گرازیدن و ساز لشکر بدید سپهر اسوی راست خوارزم بود همه ریگ نرم از در زم بود به چپ بر دهستان و سنبار و آب میان ریگ و پیش اندر افراسیاب همی گشت بر گردان رزمگاه بیابان نگه کردویی راه راه به گردسپه بریکی کنده کرد طلایه به هر سو پراگنده کرد شب آمده بکنده اندر افگند آب بر آن سو که بُدروی افراسیاب شاهنامه چاپ مسکو، بیت ۳۴۲ مربوط به سنبار را مخدوش کرده و به جای «به چپ بر دهستان و سنبار و آب» آورده است: «به چپ بر دهستان و بر راست آب». در ترجمه تاریخ یمینی ذیل شرح حمله سپاه قراخانی آل افراسیاب با سرداری سیاشی تکین در سال ۳۹۶ به خراسان و جنگ و گریز آن ها با سپهدار طوس ارسالن جاذب در حداقل ناساگران از رود سنبار به صورت سیاریا شده است.

خوشبختانه نام سنبار یا سومبار از دیرباز باقی مانده و اکنون به همین نام خوانده می شود.

■ **اشتباه برخی ناسخان در تصحیح شاهنامه**
سنبار یا شمبار و سومبار نام قدیم شاخه شرقی رودخانه اترک خراسان است که قسمت انتهایی آن بخشی از مرز دو کشور ایران و ترکمنستان را تشکیل می دهد. سنبار در اصل نام یکی از شاخه های شرقی رودخانه اترک است که در سمت راست شاخه غربی آن جاری است. پیش ترها هر دو را به نام رشته شرقی سنبار می خوانده اند، اما از سده هشتم هجری به بعد که نام اترک پیدا شده هر دو شاخه پس از پیوستن به هم اترک خوانده شده است. گرچه رودخانه سنبار با دهستان فاصله زیادی داشته و دارد پیش از اسلام با حفر کانالی آب آن را به دهستان می برده اند. بدین سبب در شاهنامه ضمن شرح دو جنگی که میان توران و ایران در زمان نوذر و کیخسرو، در محل دهستان روی داده از سنبار هم نام نبرده شده است اما چون ناسخان شاهنامه در قرون بعد از مغول با نام سنبار آشنا نبوده آن را در نسخه های خود تغییر داده اند، مگر یکی دو نسخه بدین سبب در چاپ مسکو نام سنبار کلا از متن به حاشیه برده شده، استاد خالقی مطلق هم بار اول آن را به حاشیه برده و توضیحی برای استنباط خود نداده ولی در تصحیح دوم شاهنامه آن را در متن قرار داده است، البته به شکل نادرست سنبار؛ بنابراین در حدود ۲۶۰۰ عنوان کتاب در فهرست سنبار، نه تلفظ صحیح نام آن باید سنبار بوده باشد، نه «سنبار».

۶۶ سنبار در اصل نام یکی رودخانه اترک است که در سمت راست شاخه غربی آن جاری است. پیش ترها هر دو را به نام رشته شرقی سنبار می خوانده اند، اما از سده هشتم هجری به بعد که نام اترک پیدا شده هر دو شاخه پس از پیوستن به هم اترک خوانده شده است

برضبط جیحونی آمده است: زانبوه ترکان پرخاشجوی بهسوی دهستان نهادند روی دهستان گرفتند ازایشان حصار به سنبار در بُدسپه را گذار شب و روز بُدبر گذر هاش جنگ می کنند. در این جنگ بنا

■ **مخدوش شدن نام سنبار در شاهنامه چاپ مسکو**

ظاهرا پس از کشته شدن نوذر در دهستان تا زمان کیکاوس و نوه اش کیخسرو مرزهای ایران

## جشنواره شعر فجر هجدهم در خانه ایرانی ها



سرمایه ملی ماست. جشنواره شعر فجر در دوران وزارت صفار هرندی آغاز شد و رفته رفته تا امروز رشد داشته است.

وی به نقطه متمایز جشنواره امسال اشاره کرد و ادامه داد: ۶۴ نفر در ۸ گروه انتخاب شده اند که قرار است طی ۱۰ شب شعر خوانی آن ها در تلویزیون پخش شود تا مردم شاهد رقابت شرکت کنندگان فجر امسال باشند. قزوه گفت: در هجدهمین دوره شعر فجر تلاش کرده ایم شعر را به خانه مردم ببریم و مردم را در معرض قضاوت و شعر را در سبد مصرف مردم قرار دهیم. قزوه خاطر نشان کرد: بر نامه رقابت تلویزیونی شاعران هم مختص پایتخت نیست و در ۳ شهر و ۲۰ مرکز استان هم این رقابت صورت خواهد گرفت که از شبکه های تلویزیونی استانی پخش خواهد شد. قزوه تصریح کرد: تمام ایران را درگیر کردیم با مجموع استان ها و حضور دو هزار نفر در زمینه شعر خوانی تلاش کرده ایم تنور ادبیات و شعر را داغ نگه داریم. رقابت بیش از ۲۶۰۰ هزار جلد مجموعه شعر در فجر هجدهم

۶۶

برنامه رقابت تلویزیونی شاعران هم مختص پایتخت نیست و در ۳ شهر و ۳۰ مرکز استان هم این رقابت صورت خواهد گرفت که از شبکه های تلویزیونی استانی پخش خواهد شد

## ادب و هنر

ادبی هنری

بزرگداشت اسماعیل خلیج و آتش تقی پور در اختتامیه تئاتر فجر



بزرگداشت اسماعیل خلیج و آتش تقی پور از پیشکسوتان تئاتر کشور در مراسم اختتامیه چهارم دومین جشنواره بین المللی تئاتر فجر برگزار می شود. به گزارش اداره کل هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چهارم دومین جشنواره بین المللی تئاتر فجر با برپایی مراسم بزرگداشت در آیین پایانی، از اسماعیل خلیج و آتش تقی پور دو پیشکسوت عرصه تئاتر به پاس سال ها فعالیت آن ها تجلیل می کند. اسماعیل خلیج نمایشنامه نویس و کارگردان تئاتر، متولد آذرماه ۱۳۱۵ و خالق آثار ی همچون یاقوق، پاندا، ز، حالت چطوره مش رحیم؟، گلدونه خانم، باجه و... بوده است. همچنین آتش تقی پور بازیگر و کارگردان تئاتر، متولد فروردین ۱۳۲۴ که فعالیت خود را از سال ۴۶ در زمینه بازیگری تئاتر آغاز کرده و بازی در بیش از ۴۰ فیلم سینمایی و بیش از ۱۰۰ تئاتر، سریال و تله فیلم از جمله فعالیت های این هنرمند پیش کسوت تئاتر است.

**انتشار دانشنامه هنر «عاشیقار»**

مراسم رونمایی از دانشنامه هنر «عاشیقار» برگزار شد. به زودی این اثر در قالب کتابی سه جلدی به کوشش علی پولاد در دسترس اهالی موسیقی و مخاطبان این هنر قرار می گیرد. مراسم رونمایی از دانشنامه هنر عاشیقار با حضور قشقای های شیراز، ترکمن های استان گلستان، عاشیق های همدان، زنجان، آذربایجان شرقی و غربی و خانه هنر عاشیقار مستقر در تهران اجرا و برگزار شد. علی شکبیا مدیر اجرایی این رویداد گفت: این مجموعه سه هزار صفحه را در بر می گیرد و هر جلد هزار صفحه خواهد داشت. در مراسم رونمایی از دانشنامه بیش از ۶۰۰ جلد میان عموم دوستداران و هنرمندان هنر عاشیقی پخش شد. قبل از این رویداد نیز ۵۰۰ جلد دیگر به صورت رایگان در اختیار هنرمندان و متخصصان موسیقی قرار گرفته بود. در حال حاضر می توانم بگویم نسخه های چاپ شده همگی توزیع شده اند و این روند باز هم ادامه خواهد داشت.

**یک اثر خاص ایتالیایی در جشنواره تئاتر فجر**



ویدئو آرت «رایش سوم» به کارگردانی رومئو کاستلوچی از ایتالیا، به صورت برخط، شامگاه سه شنبه ۱۰ بهمن در قالب جشنواره

تئاتر فجر ۴۲، در تماشاخانه ایران شهر به نمایش در خواهد آمد. پس از نمایش «رایش سوم»، نشست پرسش و پاسخ با کارگردان به صورت آنلاین انجام می شود. به گزارش ایران تئاتر، ویدئوآرت «رایش سوم»، یک محصول بصری از رومئو کاستلوچی است که به صورت installation تهیه شده است. در این اثر، کارگردان سعی دارد قدرت ذهن و تمرکز بیننده و خودآگاه و کنترل تماشاگر بر روی کلمات را، با ریتم و ضرب آهنگ موسیقی، از او خلع کند و او را مسحور خود گرداند. تماشاگر تحت سیطره کلمات قرار می گیرد؛ تایپوگرافی (typography)، نمایش کلمات تنها در چند میلی ثانیه، حذف فاصله بین کلمات، واژگان ساده، واژگان با مفهوم خاص، در هر صورت بر ناخودآگاه تماشاگر تأثیر خواهد داشت، این تأثیر بدون گفتار، بدون آوا و بدون صدای بازپگر است. یک تجربه دیداری شنیداری با ریتم موسیقی مواجه شدن با قدرت کلمات در قالب زمان با ضرب آهنگ موسیقایی، مفهوم دیکتاتوری زمان، دست و پنجه نرم کردن با طوفان قریب الوقوع کلمات در مواجه با انتشار صداتجربه ای متفاوت برای مخاطب خاص در مواجه با زمان و زبان و موسیقی شکل خواهد داد. همه افکار (thinking) تماشاگر زمانی شروع می شود که این اجرا به پایان می رسد. کاستلوچی در این باره می گوید: «تئاتر آن چیزی است که در ذهن تماشاگر اتفاق می افتد و پلاتوی واقعی در ذهن اوست.»